

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری

محمدعلی رضایی اصفهانی*

چکیده

تعبیر «نُزَلَّتْ» - که در روایات تفسیری ذیل آیات مهدویت آمده - گاهی به معنای تطبیق آیه بر مورد غیر شأن نزول، گاهی به معنای تأویل و بطن آیه و گاهی نیز به معنای تفسیر آیه است. روایات تفسیری مهدویت در ذیل سیصد و بیست و چهار آیه آمده است. این آیات را می‌توان چهار دسته کرد: آیاتی که تفسیر آن در مورد مهدویت است، مثل آیات اظهار دین (توبه / ۳۳) و آیه رفع فتنه از جهان (نفال / ۳۹)؛ آیاتی که بر اساس روایات تفسیری، بر مهدویت تطبیق شده است، مثل: ایام الله (برلهمیم / ۵) و بقیة الله (هود / ۸۶)؛ آیاتی که تأویل و بطن آن در مورد مهدویت است، مثل: حروف مقطعه حم، عسق (شوری / ۱) و ۲)؛ آیاتی که بر اساس احادیث تفسیری، مرتبط با مهدویت است، مثل: تشبیه جریان مهدویت به جریان طلوت و جلوت (بقره / ۲۴۹) از بررسی آیات و روایات این نتیجه به دست می‌آید که آیات و روایات تفسیری مهدویت دلالت و اعتبار یکسانی ندارند و گاه به موضوع‌های مختلف سیاسی، نظمی، اقتصادی و تاریخی مهدویت اشاره دارند.

واژگان کلیدی

آیات مهدویت، روایات مهدویت، بطن، تأویل جری و تطبیق.

rezaee@quransc.com

*. دانشیار گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه.

تاریخ تأیید: ۸۹/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۳

طرح مسئله

آینده روشن بشریت در پرتو منجی آخرالزمان از موضوعاتی است که در ادیان الهی مطرح بوده است. (بنگرید به: کتاب مقدس، ۱۹۸۷ و ۱۹۳۲ م، مزلمیر، مزموور ۳۷، ش ۱۸-۹ و مزموور ۹۶، ش ۱۳-۱۰؛ ملحقیات عهد جدید، نلمه دوم به پولوس، باب سوم؛ اوپانیشادها (کتاب مقدس هندوها)، ۷۳۷؛ کتاب جلماسب (زرتشتی‌ها)، نلمه ۱۲۱)

مسئله مهدویت در اسلام نیز در روایات شیعه و سنی آمده است (مجلسی، ۱۳۸۵: ۱۳) حتی در برخی روایات نام و مشخصات مهدی آل محمد علیهم‌السلام آمده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹) البته در قرآن کریم نام «مهدی» (محمد بن الحسن علیه‌السلام) به صورت صریح نیلمده است؛ بلکه نام هیچ کدام از امامان علیهم‌السلام به خاطر حکمت‌های خاصی بیان نشده است، از جمله اینکه: اولاً. قرآن در پی نام بردن از صحابه و بستگان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نبوده؛ مگر در موارد استثنائی، مثل داستان زید (احزاب / ۳۷) و ابولهب (مسد / ۱) که برای بیان مطلبی (همچون حکم از دواج زید و نفرین بر ابولهب) نام آنها ضرورت داشت که بیاید، از این‌رو در موارد متعددی، مطالب مربوط به زنان پیغمبر و منافقان در قرآن آمده است؛ ولی نلمی از آنها برده نشده است. (سوره تحریم، منافقین و...)

ثانیاً. نام بردن از افراد، موجب انگیزش حبّ و بغض‌ها و زمینه‌ساز تحریف قرآن می‌شود. ثالثاً. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به طیل نیلمدن نام امام علی و اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن، به نماز اشاره کرد که حکم آن در قرآن نازل شده، ولی از سه یا چهار رکعت بودن آن نلمی به میان نیلمده است تا خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آنان تفسیر کند (فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۲ / باب ۳۰) ولی در احادیث و تفاسیر، سیصد و بیست و چهار آیه مرتبط با وجود مقدس امام عصر علیه‌السلام شمرده شده است که البته دلالت‌های آنها و نیز اعتبار احادیث تفسیری آنها یکسان نیست. در این نوشتار می‌خواهیم این آیات را بیان و دسته‌بندی و شیوه‌های برداشت از آنها را بررسی کنیم.

در این راستا به روایت‌های ذیل آیات اشاره و بعد از بیان فهرست کلی آیات، برخی از مهم‌ترین آنها را در هر دسته بررسی می‌کنیم.

الف) مفهوم‌شناسی

۱. قرآن: مقصود از قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است که شش هزار و دویست آیه دارد و به صورت متواتر از پیمبر ﷺ به ما رسیده و تحریف نشده است و در عصر کنونی بیشتر با قرائت حفص از عاصم منتشر می‌شود.

۲. مهدویت: مقصود اعتقاد به منجی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند و بشر را نجات می‌دهد این منجی در ادیان الهی و اسلام مطرح شده و در شیعه با نام محمد بن الحسن علیه السلام و لقب‌هایی مثل «مهدی آل محمد علیهم السلام» به عنوان دوازدهمین امام معصوم علیه السلام مشخص شده است.

۳. تفسیر: در اصل به معنای کشف و پرده‌برداری است و در اینجا به کشف معانی واژه‌ها و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست. به عبارات دیگر، تبیین مراد استعملی آیات و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره مورد نظر است.^۱

۴. تأویل: در اصل به معنای بازگشت دادن است و گاهی به معنای توجیه متشابه، و معنای خلاف ظاهر لفظ می‌آید که به وسیله قرینه حاصل می‌شود. (برای واژه تأویل بیش از ده معنای استعملی بیان شده است که در اینجا دو معنایی که در متن مقصود ماست، بیان شد (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۳۳۲: ماده اول؛ طبرسی، ۳۹۵: ۳ / ۳؛ سیوطی، ۴۰۷: ۲ / ۹۲؛ ذهبی، بی تا: ۱ / ۳؛ معرفت، ۴۲۸: ۳ / ۲۸) همان‌طور که گاهی به معنای باطن نیز می‌آید (معرفت، ۴۲۸: ۳ / ۲۸؛ همو، ۴۲۵: ۱ / ۲۱) البته در قرآن گاهی به معنای تعبیر خواب (یوسف / ۶) و تحقق خارجی عینی مطلب (یوسف / ۱۰۰؛ اعراف / ۵۳) نیز می‌آید.

۵. بطن: در اصل به معنای پوشیده و غیرظاهر است، و در اینجا مقصود معنایی از قرآن

۱. در مورد تفسیر، معانی لغوی و اصطلاحی متعددی بیان شده است. در اینجا سخن لغوی‌ها و برخی ارباب تفسیر و صاحب نظران بیان شد (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۳۳۲؛ طباطبایی، ۳۹۳: ۱ / ۴؛ سیوطی، ۴۰۷: ۲ / ۹۲؛ طبرسی، ۳۹۵: ۱ / ۳؛ نگارنده، ۳۸۵: ۲۳؛ همو، ۳۸۳: ۳۹ - ۳۵؛ بلابایی و دیگران، بی تا)

است که از ظاهر کلام به دست نمی‌آید و گاهی در احادیث بیان شده است. (مجلسی، ۳۸۵: ۹۲ / ۹۷) برخی صاحب‌نظران آن را به معنای قاعده کلی، برگرفته از آیه می‌دانند که با الگوی خصوصیت به دست می‌آید (معرفت، ۳۸۳: ۱ / ۳۰؛ همو، ۴۲۵: ۱ / ۲۱)

برای واژه «بطن» معانی دیگری نیز بیان شده است، ولی ما در اینجا معنایی را بیان کردیم که در متن مقصود ماست. (بنگرید به: طباطبایی، ۳۹۳: ۳ / ۶۵ - ۴۴؛ شاکر، ۳۸۲: بحث بطن؛ رضایی اصفهانی، ۳۸۷: مبحث بطن)

۶. تطبیق (جری): در اصل به معنای انطباق یک مفهوم عام و کلی بر فرد خاص و جزئی است، مثل وقتی که «انسان» را بر «عباس» اطلاق و تطبیق می‌کنیم. از این شیوه در روایات تفسیری استفاده شده و در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است. امام محمدباقر علیه السلام در این زمینه فرمودند:

ظهره تنزیله و بطنه تأویله منه ما قد مضی
و منه مالم یکن یجری کما یجری الشمس و
القمر. (مجلسی، ۳۸۵: ۹۲ / ۹۷)

گاهی هم از آن با عنوان قاعده «جری و تطبیق» یاد می‌شود (طباطبایی، ۳۹۳: ۱ / ۴۱) ۷. واژه «نزلت»: در اصل به معنای نزول آیات قرآن در مورد حادثه یا واقعه خاص است و بیشتر در مورد شأن نزول‌های قرآن به کار می‌رود؛ هر چند که گاهی در مورد قصه‌های گذشته و بیان حکم و تکلیف شرعی دائمی نیز می‌آید (معرفت، ۴۲۸: ۱ / ۲۵۴؛ بحرانی، ۳۳۴: ۱ / ۳۱ و ۳۲) این واژه در احادیث تفسیری مهدویت در چند معنا به کار می‌رود:

یک. به معنای تطبیق یک آیه خاص بر غیر شأن نزول آن: در حدیث، آیه‌ای بر یکی از مسائل مهدویت تطبیق و از تعبیر «نزلت» استفاده می‌شود. برای مثال: در مورد آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْهَ مَعِ اللَّهُ قَلِيلًا مَا تَدْكُرُونَ» (نمل / ۶۲) بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی را که در مانده، هنگامی که او را می‌خواند، اجابت می‌کند و (گرفتاری) بدی را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می‌دهد؟! آیا معبودی با

خداست؟! چه اندک متذکر می‌شوید»، از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «نزلت فی القائم...» (مفید، ۴۱۳: ۳۲۸؛ مجلسی، ۳۸۵: ۲ / ۳۶۹)؛ در حلی که آیه مطلق است و شامل هر فرد مضطر می‌شود؛ ولی در روایت بر یکی از مصداق کمل یا مصداق اکمل تطبیق شده است.

دو گاهی تعبیر نزلت به معنای تأویل و بطن آیه به کار می‌رود. برای مثال در مورد آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؛ (ملک / ۳۰) بگو: آیا به نظر شما، اگر آب (سرزمین) شما [در زمین] فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می‌آورد؟!»، امام باقر علیه السلام فرمود:

هذه نزلت في القائم يقول: إن أصبح إمامكم غائباً لا تدرون أين هو فمن يأتيكم بإمام ظاهر يأتيكم بأخبار السماء والأرض وحلال الله وحرامه؟ ثم قال عليه السلام: والله ما جاء تأويل هذه الآية ولا بُدَّ أن يجئ تأويلها. (صدوق، ۳۹۵: ۱ / ۳۲۵؛ مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۵۲)

در حلی که ذیل حدیث سخن از تأویل (و بطن) آیه است؛ اما در صدر حدیث تعبیر «نزلت» به کار رفته است، پس مقصود از نزول در اینجا بیان بطن و تأویل آیه است. سه واژه «نزلت» گاهی به معنای تفسیر آیه می‌آید؛ همان‌گونه که در مورد آیه پنجاه و پنج سوره نور: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خدا به کسانی از شما را که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «نزلت فی القائم و اصحابه» (مفید، ۴۱۳: ۱ / ۲۴۷) که تنها تفسیر آیه مربوط به امام عصر علیه السلام و یاران ایشان است.

(ب) پیشینه

در مورد آیات مهدویت در منابع تفسیری و حدیثی شیعه و اهل سنت مطالبی آمده است، از

تفاسیر اهل سنت می‌توان به تفسیر قرآن کریم ابن کثیر (۷۷۴ ق) (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲ / ۶۱۵ و ...) و از تفاسیر شیعه: تفسیر مجمع البیان، تفسیر عیاشی، تفسیر نور الثقلین، تفسیر البرهان، تفسیر صافی، المیزان فی تفسیر القرآن، تفسیر نمونه، تفسیر قرآن مهر، و... اشاره کرد. بعد از این تفاسیر کتابها و مقاله‌های مستقل متعددی در این مورد نوشته شده است.^۱

۱. از جمله:

- *المحجة فيما نزل في القائم الحجة*، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، مهدی حائری قزوینی، با عنوان سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، تهران، ۱۳۷۴، آفاق در این کتاب ۱۲۰ آیه به ترتیب نزول و روایات آنها جمع‌آوری شده است.
- *معجم احادیث الامام المهدي* علیه السلام، مؤسسة المعارف الاسلامیه، الجزء السابع، الآیات المفسر، تحت اشراف شیخ علی الکورانی، ۱۴۱۱ ق، جامع‌ترین کتاب در این زمینه است که بیش از ۳۰۰ آیه را جمع کرده است، ولی آیه ۱۸ سوره محمد را ذکر نکرده است.
- *موسوعة المصطفى و العترة*، ج ۱۶، (المهدي المنتظر)، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰ ق.
- *سیمای امام زمان* علیه السلام در آئینه قرآن، علی‌اکبر مهدی‌پور.
- *الامام المهدي في القرآن و السنة*، سعید ابومعشر، ۱۴۲۲ ق، مشهد، آستان قدس رضوی. در این کتاب آیات مهدویت طبق سوره‌ها تا آخر قرآن با روایات آمده است.
- *امام مهدي از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور*، محمدبقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی نوانی، گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحل).
- *المهدي في القرآن (موعود قرآن)*، سید صادق حسینی شیرازی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، تهران، ۱۳۶۰، فارسی و عربی. در این کتاب ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر علیه السلام از منابع اهل سنت نقل شده است.
- *حکومت جهانی حضرت مهدی* علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۷۹، قم، دارالصافین. مجموعه آیات قرآن درباره مهدی علیه السلام با روایات آمده است.
- *ملاحم القرآن*، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، مؤلف. این کتاب پیش‌گویی‌های قرآن و روایات در مورد نشانه‌های ظهور است.
- *طریق الی المهدي* علیه السلام المنتظر، سید ایوب، بیروت، الغنیر، ۱۹۹۸ م. آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد بررسی شده است.
- *سوره والعصر*، حضرت امام زمان علیه السلام است، عباس راسخی نجفی، قم، قیام، ۱۳۷۲.
- *المهدي الموعود في القرآن الكريم*، محمدحسین رضوی، دارالهادی،

ج) فهرست اجمالی آیات مهدویت

در مجملع حدیثی سیصد و بیست و چهار آیه قرآن با احادیث مربوط ذکر شده که مرتبط با مهدویت است.^۱

۲۰۰۱ م.

- پور پنهان در *افق قرآن حضرت مهدی*، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸.

- غریب غیب در *قرآن*، محمدحسین صفخواه، تهران، آمه.

- *اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن*، علی صفایی کلشانی، تهران، مفید، ۱۳۷۶.

- *القرآن يتحدث عن الامام المهدي*، مهدی حسن علاءالدین، بیروت، دارالاسلامیه.

- *ثورة المواطنين للمهدي*، مهدی حمد فتلاوی، بیروت، دارالبلاغه، ۱۹۹۳ م.

- *مهدی* در *قرآن*، رضا فیروز، تهران، رایحه، ۱۳۷۸.

- *مهدویت از نظر قرآن و عترت*، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱ ق.

- *چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر*، معاونت امور فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.

- *سیمای مهدویت در قرآن*، محمد جواد مولوی نیا، قم، امام عصر، ۱۳۸۱.

- *الآیات الباهرة في بقية العترة الطاهرة او تفسير آیات القرآن في المهدي صاحب الزمان*، سید داود میرصابری، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق.

- *مهدی در قرآن*، محمد عابدین زاده، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، موعود، ۱۳۸۰.

- *سیمای نورانی امام زمان* در *قرآن و نهج البلاغه*، عباس کمسری، قم، مؤسسه فرهنگی سعادت، ۱۳۸۱.

- *سیمای حضرت مهدی* در *قرآن*، سید جواد رضوی، بوشهر، موعود اسلام، ۱۳۸۲.

- *بحار الانوار*، علامه مجلسی، ج ۱۳، به فارسی ترجمه شده، و بسیاری از آیات و روایات مهدویت را جمع‌آوری کرده است.

در ضمن لوح فشرده «کتابشناسی منابع اسلامی درباره امام عصر» و لوح فشرده «در آینه قلم» محصول پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا، با هشت هزار جلد مأخذ، شامل کتاب، مقله و پایان‌نامه در این زمینه راه‌گشاست. لوح فشرده «نورالولایة» نیز که متن کمال صد و بیست و شش جلد کتاب از منابع مهم مهدویت را گردآوری کرده، قابل استفاده است.

۱. فهرست آیاتی که در احادیث مرتبط با مهدویت معرفی شده، بدین قرار است:

البته باید گفت که ارزش و دلالت این آیات با مباحث مهدویت یکسان نیست. (بنگرید به: *الهيئة العلمية من مؤسسة المعارف الاسلامية*، ۱۴۲۸: الجزء السابع؛ و کتب تفسیر روایی، مثل البرهان، نور الثقلین، صافی، نمونه و ...)

یادآوری: در برخی مجامع روایی و تفاسیر قرآن، آیات دیگری را مربوط به مباحث مهدویت دانسته‌اند؛ ولی با بررسی‌های به عمل آمده روشن شد که برخی از این موارد از معصومان علیهم‌السلام نقل نشده یا نسبت دادن آنها به معصومان علیهم‌السلام مشکوک است.

برای مثال ذیل حج / ۶۰ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲/ ۸۷، الهيئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷/ ۳۸۳) و صف / ۱۳ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲/ ۳۶۶، الهيئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷/ ۶۰۳)، تفسیر قمی آیه‌ها را مربوط به مهدویت دانسته است؛ در حالی که به ظاهر، تعبیر از صاحب تفسیر است نه امام معصوم و در یونس / ۵۰ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۱/ ۳۱۲؛ الهيئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷/ ۲۴۶)، از ابوالجروود نقل شده است که معتبر

حمد / ۷ - ۱؛ بقره / ۳، ۳۷، ۱۱۴ و ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۷، ۲۱۰، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۹؛ آل عمران / ۳۷، ۴۶، ۸۱، ۸۳، ۹۷، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۲۰۰؛ نساء / ۵۹، ۶۹، ۷۷، ۱۳۰، ۱۵۹؛ مائده / ۳، ۱۲، ۱۴، ۲۰، ۵۴، ۱۱۸؛ انعام / ۲، ۳۷، ۴۴ و ۴۵، ۶۵، ۵۸؛ اعراف / ۴۶، ۵۳، ۷۱، ۹۶، ۱۲۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۷؛ انفال / ۷ و ۸، ۳۹، ۷۵؛ توبه / ۳، ۱۶، ۳۴ - ۳۲، ۳۶، ۵۲، ۱۱۱، ۱۱۹؛ یونس / ۲۴، ۳۵، ۳۹، ۵۰، ۹۸؛ هود / ۸، ۱۸، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۱۱۰؛ یوسف / ۱۱۰؛ رعد / ۷، ۱۳، ۲۹؛ ابراهیم / ۵، ۲۸، ۴۵، ۴۶؛ حجر / ۱۶ و ۱۷، ۳۸ - ۳۶، ۷۵ و ۷۶؛ نحل / ۱، ۲۲، ۳۳، ۳۴، ۴۰ - ۳۸؛ اسراء / ۷ - ۵، ۳۳، ۷۱ و ۷۲؛ کهف / ۴۷، ۹۸؛ مریم / ۳۷، ۵۴، ۷۵، ۷۶؛ طه / ۱۱۵، ۱۲۳ و ۱۳۵؛ انبیاء / ۱۲ و ۱۳، ۳۵، ۷۳، ۹۵، ۱۰۵؛ حج / ۳۹، ۴۱، ۴۷، ۶۵؛ مؤمنون / ۱، ۱۰؛ نور / ۳۵، ۵۳، ۵۵؛ فرقان / ۱۱، ۲۶، ۵۴، ۷۶ - ۶۳؛ شعراء / ۴، ۲۱، ۲۰۷؛ روم / ۵ - ۱؛ لقمان / ۲۰؛ سجده / ۲۱، ۲۹، ۳۰؛ احزاب / ۱۱، ۶۱، ۶۲؛ سبأ / ۱۸، ۲۸، ۵۱؛ فاطر / ۴۱؛ یس / ۳۰، ۳۳، ۵۲؛ صافات / ۸۳ و ۸۴ ص / ۱۷؛ زمر / ۶۹؛ غافر / ۱۱، ۵۱؛ فصلت / ۳۰، ۳۴، ۵۳؛ شوری / ۱، ۲، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۴۱ و ۴۲؛ زخرف / ۲۸، ۶۱، ۶۶؛ دخان / ۳ و ۴؛ محمد / ۴، ۱۷، ۱۸ و ۱۹؛ فتح / ۲۵؛ ق / ۴۱ و ۴۲؛ ذاریات / ۲۲؛ طور / ۳ - ۱، ۴۷؛ نجم / ۵۳؛ قمر / ۶، ۱؛ الرحمن / ۴۱؛ واقعه / ۱۰ و ۱۱؛ حلید / ۱۶ و ۱۷؛ صف / ۸ و ۹؛ تغابن / ۱۲؛ ملک / ۳۰؛ قلم / ۱۵؛ معارج / ۱ و ۲، ۴۴؛ جن / ۱۶، ۲۴؛ مئثر / ۱ و ۲، ۴، ۱۶ - ۸، ۱۹ و ۲۰، ۴۰، ۴۸؛ نازعات / ۱۴ - ۱۲؛ عبس / ۲۳، ۱۷؛ تکویر / ۱۵ و ۱۶؛ انشقاق / ۱۹؛ بروج / ۱؛ طارق / ۱۷ - ۱۵؛ غاشیه / ۴ - ۱؛ فجر / ۴ - ۱؛ شمس / ۱۵ - ۱؛ لیل / ۲۱ - ۱؛ قمر / ۵ - ۱؛ بیته / ۵؛ تکویر / ۳ و ۴، ۸؛ عصر / ۳ - ۱.

نیست. در طه / ۱۱۳ - ۱۱۰ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۵؛ الهيئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۳۵۰)، عنكبوت / ۱۰ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۴۹؛ الهيئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۴۶۷) و جن / ۲۶ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۹۱؛ الهيئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۶۱۹) با تعبیر «قال» نقل شده و استناد آن به معصوم روشن نیست. در کتب معجم الاحادیث المهدی، آنها را در ردیف آیات مفسر ذکر کرده است. برخی روایات مهدویت نیز از ابن عباس نقل شده است، مثلاً در مورد آیه ۵۹ سوره نمل از ابن عباس حکایت شده است که اهل بیت علیهم السلام صفة الله هستند (الهيئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۴۳۵)

عجیب اینکه برخی موارد از کتب الاحبار نقل شده است که از نقلان اسرائیلیات بود و روایات او نزد شیعه و سنی بی اعتبار است. برای مثال ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران (الهيئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۷۸) و ذیل آیه ۴۷ سوره حج (همان: ۳۸۱؛ صدوق، ۱۴۱۶: ۲ / ۴۷۴ و ۴۷۵) از کتب الاحبار روایتی نقل شده؛ در حالی که به پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز نسبت داده نشده است. روشن است که نقل این اخبار، ضعیف و مرسل موجب وهن آیات مهدویت می شود؛ از این رو ما این آیات را در فهرست آیات مهدویت ذکر نکردیم.

د) تقسیم بندی آیات مهدویت

آیات مهدویت از منظرهای مختلف قابل تقسیم بندی است. می توان آنها را از منظر روش شناختی، موضوعی، تاریخی و ... دسته بندی کرد؛ اما توجه ما در این نوشتار «روش شناسی فهم آیات با توجه به روایات تفسیری» است؛ یعنی به این آیات و روایات از دیدگاه روش ها و قواعد تفسیری نظر می کنیم.

تقسیم های مختلفی در مبحث مبانی، قواعد و روش های فهم و تفسیر قرآن صورت گرفته است (ر.ک به: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵) که بر اساس آنها می توان روایات تفسیری را دسته بندی کرد؛ از جمله اینکه یک دسته از روایات تفسیری، مصادیق آیه را بیان می کند و دسته دیگر تأویل و بطن و دسته سوم تفسیر آیه را روشن می سازد. این تقسیم بندی ها در روایات تفسیری آیات مهدویت نیز جاری است.

۱. تفسیر آیات در مورد مهدویت

برخی احادیث تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است، مفاهیم و مقاصد آیات را توضیح می‌دهد؛ یعنی به نوعی تفسیر اصطلاحی آیه را بیان می‌کند در اینجا به برخی از مهم‌ترین این آیات اشاره می‌شود:

یک. آیات اظهار (تسلط دین اسلام بر ادیان الهی)

منظور آن دسته از آیاتی است که تسلط نهایی دین اسلام بر ادیان الهی را نوید می‌دهند؛ ولی هنوز تحقق نیافته است و تنها تفسیر آن در مورد مهدویت صادق است. این آیات با تعبیر مشابه در چند سوره تکرار شده است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.
(توبه / ۳۳؛ صف / ۹)

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گرچه مشرکان ناخشنود باشند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا. (فتح
/ ۲۸)

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است.

از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ۳۳ توبه و ۹ صف نقل شده است که فرمود:

إذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم و
لا كافر الا كره خروجه لو كان في بطن صخرة
لقال الصخرة يا مؤمن في مشرك فاكسرنى
واقتلته . (كوفى، ۴۱۰: ۱، ۸۴؛ عیاشی، بی تا: ۲ / ۸۷، ح ۵۲)

هنگامی که امام زمان علیه السلام قیام کنند، هیچ مشرک به خدای بزرگ و کافری نمی‌ماند؛ مگر آنکه از قیام امام زمان علیه السلام ناراحت است. و اگر بر فرض در دل سنگی مخفی شوند، آن سنگ ندای دهد که ای مؤمنان مشرکی اینجا نیست، مرا

بشکنید و او را بکشید.

در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که در مورد آیه فرمود:

والله ما نزل تأويلها بعد، قلت: جعلت فداك و
متي ينزل تأويلها؟ قال: حين يقوم القائم
إن شاء الله (بن حجام، ۴۲۰: ۱ / ۳ / ۳۸۲، ح ۴۳۴)

به خدا سوگند که تفسیر این آیه هنوز نیلیده است. پرسیدم: فدایت شوم تفسیر
آیه چه موقع تحقق می‌یابد. فرمود: هنگامی که قائم مایا قیام کند ان شاء الله... .

واژه «تأویل» در این روایت بمعنای تحقق خارجی عینی است، پس مفاد آیات پیشین در
مورد «پیروزی نهایی اسلام بر تمام ادیان از صدر اسلام تاکنون» تحقق نیافته است، پس
مقصود آیه، زمان امام عصر علیه السلام است که دین اسلام به دست او بر همه ادیان پیروز می‌شود؛
بنابراین تفسیر آیه (نه تأویل اصطلاحی به معنای بلطن یا معنای خلاف ظاهر آیه) و مقصود
آیه، زمان امام عصر علیه السلام است.

مشابه روایت فعلی از اهل سنت نیز حکایت شده است، از این رو برخی مفسران اهل
سنت تحقق آیه را هنگام خروج مهدی دانسته‌اند^۱

دو. آیه رفع فتنه از جهان

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ
لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. (لفال /
۳۹)

و با آن (کافر)ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یکسره از آن خدا
باشد؛ و اگر آنان (به کفر) پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند،
بیناست.

۱. قال السدی: و تلك عند خروج المهدي. (ثعلبی، ۴۲۲: ۵ / ۳۶؛ رازی، ۴۱۱: ۱۶ / ۴۰؛ قرطبی،
۴۰۵: ۱ / ۸ / ۲۱؛ ثعلبی، نسخه خطی: ۵ / ۳۰۵) و مشابه این روایت از ابی‌سعید الخدری از پیغمبر صلی الله علیه و آله
نقل شده است. (میبدی، ۳۷۶: ۴ / ۱۱۹)

از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسش شد، فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يَجِءْ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعْدَهُ سِيرِي مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لِيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَلَغَ الدَّلِيلُ، حَتَّى لَا يَكُونَ شَرِكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ. (عیاشی، بی تا: ۵۶ / ۲، ح ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۹۵: ۳ / ۵۴۳)

در حقیقت تأویل این آیه هنوز نیلمده است و اگر قائم ما قیام کند، بعد از آن است که هر کس او را درک کند، تأویل این آیه را می بیند و دین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نهایت می رسد تا اینکه شرک بر روی زمین نخولهد بود؛ همان گونه که خدا فرموده است.

واژه «تأویل» در این روایت نیز به معنای تحقق عینی خارجی است (نه تأویل اصطلاحی به معنی باطن یا خلاف ظاهر آیه) و روشن است که از صدر اسلام تاکنون فتنه ها کم و بیش وجود داشته و دین اسلام بر جهان مسلط نشده است و این مطلب که تفسیر آیه است، در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می یابد.

آلوسی از مفسران بزرگ اهل سنت نیز ذیل آیه اشاره می کند که تأویل آیه هنوز محقق نشده است و تأویل آن هنگام ظهور مهدی خواهد آمد که بر روی زمین هیچ مشرکی نخواهد ماند. (آلوسی، ۱۴۰۵: ۹ / ۱۷۴)

سه. وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (نبیاء / ۱۰۵)

و به یقین، در زبور بعد از آگاه کننده (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته ام، آن زمین را به ارث خواهند برد.

از امام بقر علیه السلام حکایت شده است:

الكتب كذبها ذكر، و أن الأرض يرثها عبادي الصالحون. قال: القائم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحابه. (طبرسی،

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری □ ۱۲۵

۳۹۵: ۴ / ۶۶؛ کاشانی، ۳۴۶: ۶ / ۲۵؛ صافی گلپایگانی، ۳۷۷: ۱ / ۵۹؛
مجلسی، ۳۸۵: ۹ / ۲۶ (۱)

همه کتابهای آسمانی مصداق ذکرند و مقصود از این آیه، امام عصر علیه السلام و یاران
حضرت است.

آلوسی بعد از ذکر اقوال در مورد آیه، به این نتیجه می‌رسد که وراثت زمین و لوازم
آن برای صلحان، در مورد مؤمنان و در عصر حضرت مهدی و نزول حضرت عیسی
است. (آلوسی، ۴۰۵: ۱۷ / ۹۵) البته این وعده الهی در زبور داود در کتاب مقدس فعلی نیز
آمده است:

زیرا که شیران منقطع می‌شوند و امامتوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.
(کتاب مقدس، عهد عتیق، زبور داود، مزمور ۳۷، جمله ۹ و ۱۰)
صلحان وارث زمین خواهند بود ... (همان: جمله ۲۹)
در قرآن کریم آمده است:

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا
يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. (نور / ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده
داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد؛ همان‌گونه که کسانی
را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد و مسلماً، دینشان را که برای آنان
پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد؛ و البته بعد از ترسشان،
(وضعیت) آنان را به آرامش مبدل می‌کند؛ در حالی که مرام‌ی‌پرستند [و]
هیچ‌چیز را شریک من نخواهند ساخت.

از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که در مورد آیه فرمود: «نزلت في القائم

و اصحابه». (مفید، ۴۱۳: ۲۴۷؛ مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۵۸)

این آیه در مورد امام عصر علیه السلام و یاران او آمده است؛ البته مقصود از نزول در این‌گونه

احادیث، همان تفسیر است؛ نه شأن نزول اصطلاحی آیه.

از اهل سنت، ابن کثیر در ذیل آیه با ذکر روایتی که تعداد سرپرستان امت را دوازده نفر معرفی می‌کند، مهدی موعود را یکی از این خلفای عادل معرفی می‌کند که جهان را از عدل پر خواهد کرد. (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲ / ۶۱۵)

روشن است که این وعده الهی که در کتابهای آسمانی پیشین و قرآن آمده است و نیز وعده الهی در مورد جانشینی مؤمنان نیکوکار بر همه زمین و حصول امنیت کامل، هنوز تحقق نیافته است و بر اساس روایات تنها در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می‌یابد.

چهار. قیام امام مهدی علیه السلام از نشانه‌های رستاخیز

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ
جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذُكْرَاهُمْ .
(محمد / ۱۸)

و آیا منتظاری جز (آمدن) ساعت (رستاخیز) دارند که ناگهان به سرافشان می‌آید؟ پس به یقین، نشانه‌های آن آمده است؛ هنگامی که (قیامت) به سراغ آنان می‌آید، پس کجا یادآوری‌شان برای آنان (سود) دارد؟

از پیغمبر صلی الله علیه و آله حکایت شده است:

اگر از دنیا یک روز بقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از لعل بیت مرا بر لگنیزد تا زمین را از عدل و داد پر کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود. (حویزی، ۳۸۳: ۳ / ۴۶۶)

مشابه این حدیث از امام علی علیه السلام حکایت شده است. (صافقی گلپایگانی، ۳۷۷: ۱ / ۲۲۳)

این آیه در مورد نشانه‌های رستاخیز است. مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر «اشراط الساعة» نشانه‌های متعددی را ذکر کرده‌اند، از جمله «بعثت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله، شق القمر، دخان و ...» (ر.ک به: سیوطی، ۱۴۰۳: ۷ / ۴۸۹ - ۴۶۷؛ ابن جوزی، ۳۸۰: ۷ / ۱۹۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۸: ۲۶ / ۱۰۹ و ۱۱۰؛ مکارم شیرازی، ۳۶۴: ۲۱ / ۴۴۹)؛ ولی برخی مفسران شیعه و اهل سنت ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یکی از نشانه‌های رستاخیز شمرده‌اند (صادقی

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری □ ۱۲۷

تهرانی، ۱۴۰۸: ۲۶ / ۱۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۱ / ۴۴۹) و روایات مهدویت را ذیل آیه فوق آورده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۳: ۷ / ۴۸۲، حدود بیست روایت) از جمله روایاتی که اهل سنت ذکر کرده‌اند، احادیثی است که مضمون آن شبیه روایت فوق از پیغمبر ﷺ است:

عن ابن مسعود، قال: قال رسول الله ﷺ: لا تذهب الدنيا أو لاتنقضي الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيت يواطئ اسمه إسمي. (بن حنبل، ۴۱۵: ۱ / ۳۷۶؛ ترمذی، ۴۲۱: ۴ / ح ۲۲۳؛ حاکم نیشابوری، ۴۱۱: ۴ / ۴۴۲)

این‌گونه احادیث نشانه‌های رستاخیز را توضیح می‌دهند و نوعی تفسیر آیه به‌شمار می‌آیند.

۲. تطبیق آیات بر مهدویت

در بسیاری از احادیثی که ذیل آیات مهدویت آمده‌اند، آیه‌ها بر مصداق یا مصداق اکمل در مسائل مهدویت تطبیق شده‌اند که در اینجا به برخی موارد اشاره می‌شود:

یک. روز قیام امام عصر ﷺ از مصادیق غیب و ایام الله

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ. (بقره / ۳)

(همان) کسانی که به غیب ایمان می‌آورند.

ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ. (إبراهیم / ۵)

روزهای خدا را به آنان یادآوری نما.

عن امیرالمؤمنین ﷺ: الغیب یوم الرجعة و یوم القيامة و یوم القائم و هی ایام آل محمد ﷺ و الیها اشارة بقوله: «ذکرهم

بایام الله». (صدوق، ۳۹۵: ۲ / ۳۴۰؛ حافظ برسی، ۲۵۵: ۱ / ۲۵۳)

از امام علی ﷺ نقل شده است: غیب همان روز رجعت و قیامت و روز امام عصر ﷺ است و آنها روزهای آل محمد است که در آیه «یادآوری روزهای خدا» به آنها اشاره شده است.

واژه «غیب» به معنای چیزی است که از حس پوشیده و پنهان است؛ ولی در این روایت به مصادیق آن اشاره شده است که روز رجعت، قیامت و ظهور امام عصر علیه السلام است؛ البته غیب در تفاسیر قرآن بر مصادیق دیگر مثل «خدا»، «وحی» و «بهشت و جهنم» نیز تطبیق شده است. (طبرسی، ۱۳۹۵: ۱ / ۱؛ حویزی، ۱۳۸۳: ۱ / ۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۷ / ۷؛ طبری، ۱۳۹۳: ۱ / ۱)

فخر رازی به شیعه اشکال می‌کند که آنان می‌گویند مقصود آیه امام مهدی علیه السلام است؛ ولی تخصیص مطلق لیل، باطل است (رازی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲) ولی فخر توجه نکرده است که این روایات از باب تعیین مصداق است، نه تخصیص.

دو. جاری بودن پرستش خدای ابراهیم علیه السلام در مورد امام عصر علیه السلام

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُهَا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. (بقره/ ۱۳۳)

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، (شما) شاهد بودید؟! وقتی که به پسرانش گفت: «پس از من چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: معبود تو و معبود نیاکت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، معبود یگانه را می‌پرستیم، و ما تنها تسلیم او هستیم.

در حدیثی نقل شده است که از امام باقر علیه السلام از تفسیر آیه پرسیدند، حضرت فرمود: «جرت فی القائم؛ این آیه در مورد قائم جاری است». (عیاشی، بی‌تا: ۱ / ۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۱ / ۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱ / ۱؛ ۳۰۹)

این حدیث به صورت روشن به قاعده جری و تطبیق اشاره دارد؛ یعنی همان‌گونه که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام موحد بودند و خدای ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیدند و به فرزندان خود سفارش می‌کردند و از آنان پرسش می‌کردند (و تعهد می‌گرفتند)، امام عصر علیه السلام نیز همین‌گونه رفتار می‌کند، یا اینکه یکی از مصادیق تسلیم‌شدگان

در برابر خدای متعال (مسلمون) امام عصر علیه السلام است.

سه. امام عصر علیه السلام، بقیة الله

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا
عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ. (هود / ۸۶)

ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید؛ و من بر شما نگهبان نیستم.

در حدیثی از امام بقر علیه السلام حکایت شده است که امام عصر علیه السلام هنگام ظهور به کعبه تکیه

می‌دهد و سیصد و سیزده یلر او گرد می‌آیند و اولین جمله‌ای که می‌فرماید، این است:

بقیت الله خیر لکم إِنْ کنتم مؤمنین، ثم یقول:
اننا بقیة الله فی أرضه و خلیفته و
حجته علیکم فلا یسلم علیه مسلم الا قال:
السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه (صدوق،
۳۹۵: ۳۳۰؛ اربلی، ۳۸۱: ۳ / ۳۲۴)

«ذخیره الهی برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید»، من ذخیره الهی در زمین
و جانشین الهی و حجت او بر شما هستم، پس هیچ کس بر او سلام نمی‌کند؛
مگر اینکه می‌گوید: سلام بر تو ای ذخیره الهی در زمین.

روشن است که اصل این آیه کلام حضرت شعیب علیه السلام است (هود / ۸۷ - ۸۴) ولی

حضرت شعیب علیه السلام یک قاعده کلی را بیان می‌کند که «ذخیره الهی (مثل پیمبران الهی) برای
شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید»؛ ولی طبق این حدیث، امام بقر علیه السلام مفهوم کلی آیه را بر
مصادق خاص یا مصداق کمال آن (امام عصر علیه السلام) تطبیق کرد.

چهار. مضطر بودن امام عصر علیه السلام

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ
وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا
تَذْكُرُونَ. (نمل / ۶۲)

بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که درمانده را، به هنگلی که او را می‌خوید، اجابت می‌کند و (گرفتاری) بد را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان خود یا گذشتگان در زمین قرار می‌دهد؟! آیا معبودی با خداست؟! چه ندک متذکر می‌شوید.

عن الصادق علیه السلام: نزلت فی القائم من آل محمد علیهم السلام، هو والله المضطرّ اذا صلی فی المقام رکعتین ودعا الله فاجابه ویکشف السوء و يجعله خلیفة فی الأرض. (فیض کاشانی، ۲: ۴۰۲ / ۴ / ۷۱؛ بحرانی، ۳۳۴: ۳ / ۲۰۸؛ مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۴۸)

در احادیث متعددی از امام باقر (مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۵۹) و امام صادق علیه السلام حکایت شده است که این آیه در مورد قائم آل محمد علیهم السلام است: هنگلی که ظهور می‌کند و نزد مقام (نزدیک کعبه) دو رکعت نماز می‌گذارد و دعا و تضرع می‌کند و خدا دعای او می‌پذیرد و مشکل برطرف می‌گردد و ایشان (ظهور می‌کند و) خلیفه الهی در زمین می‌شود (فیض، ۲: ۴۰۲ / ۴ / ۷۱؛ بحرانی، ۳۳۴: ۳ / ۲۰۸؛ مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۴۸)

واژه نزول در این احادیث به معنای تعیین مصداق است؛ نه شأن نزول اصطلاحی؛ یعنی مفهوم مضطرّ شامل هر شخصی می‌شود که در اثر مشکل‌ها دچار اضطراب شود و امام عصر علیه السلام یکی از مصداق کلمل مضطر در زمان غیبت است.

آیات و روایات متعدد دیگری نیز در این باره وجود دارد از جمله:

۱. ذیل آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا»؛ (حج / ۳۹) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده است، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر اینکه آنان مورد ستم واقع شده‌اند» که به مظلومان اجازه جنگ می‌دهد، این آیه در حدیثی از امام باقر علیه السلام بر امام عصر علیه السلام و یاران او تطبیق شده است. (مجلسی، ۳۸۵: ۲۴ / ۲۲۷)

۲. امام باقر علیه السلام ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران، تعبیر «ابطوا» را بر ارتباط با امام منتظر تطبیق

کرد. (مفید، ۴۱۳: ۲۷؛ بحرانی، ۳۳۴: ۱ / ۳۳۴)

۳. ذیل آیه «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده / ۵۴) و خدا در آینده گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند» امام علی علیه السلام آیه را بر مهدی علیه السلام تطبیق کرد. (قندوزی، ۱۳۰۸: ۳ / ۳۳۷)

۴. ذیل آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ» (طه / ۱۳۵) پس انتظار بکشید که بزودی خواهید دانست چه کسی اهل راه درست است» امام کاظم علیه السلام «صراط سوی» را بر امام عصر علیه السلام تطبیق کرد. (بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۵۰؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۴ / ۱۵۰)

۵. ذیل آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵۰) و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم، و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم» در احادیث متعددی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام حکایت شده است که ائمه معصومین علیهم السلام «مستضعفون» اند و آیه، مربوط به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر و بر جباران پیروز می‌شود و جهان را از عدل و داد پر می‌کند (بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۲۲۰؛ طوسی، بی‌تا: ۱۸۴)

روشن است که این‌گونه احادیث مصداق این آیه را بر می‌شمارد و از باب جری و تطبیق است وگرنه اصل آیه در مورد پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان است؛ اما واژه «ترید» که به صورت مضارع آمده است و اراده مستمر الهی را بیان می‌کند، بیان نوعی سنت الهی است که در طول تاریخ جاری بوده است و در هر عصری مصداق جدیدی دارد و قیام امام عصر علیه السلام از مصادیق کمال آیه است.

۳. تأویل و بطن آیات در مورد مهدویت

برخی روایات تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است، به تأویل آیات اشاره می‌کند؛ البته تأویل به معنای اعم که شامل بطن و معنای خلاف ظاهر آیه نیز می‌شود. در اینجا به

چند مورد مهم اشاره می‌شود.

یک. تأویل حروف مقطعه در مورد مهدویت

حم * عسق . (شوری / ۱ و ۲)

روایات متعددی در منابع شیعه و سنی در مورد دو آیه فوق نقل شده و تأویل این آیات را مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دانسته‌اند (مجلسی، ۱۳۸۵: ۶۰ / ۱۱۹ و ۹۲ / ۳۷۶؛ ثعلبی، بی‌تا: ۳۰۳ / ۸)

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که آیه اشاره به سال‌های امام عصر علیه السلام یا حوادث زمان حضرت و هنگام خروج ایشان در مکه است. (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۶۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۴۲؛ بحرانی: ۱۳۳۴: ۴ / ۱۱۵)

در مورد تفسیر حروف مقطعه، دیدگاه‌های مختلفی بین مفسران قرآن وجود دارد و روایات متعددی نیز نقل شده است، از جمله اینکه این حروف رمزی بین خدا و پیمبر صلی الله علیه و آله است، یا اینکه مربوط به تحدی قرآن است که قرآن به وسیله همین حروف الفبای معمولی ساخته شده؛ ولی معجزه است و ... (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ذیل آیه اول سوره بقره)

دو. باطن حق و باطل

در برخی احادیث تفسیری آیات مهدویت، به صورت صریح از باطن آیات سخن گفته شده است، از جمله در مورد آیات زیر که ظاهر آن در مورد جنگ بدر است که به مسلمانان وعده داده شد که یا بر لشکر مشرکان مکه پیروز می‌شوند یا بر کاروان تجارتی آنها غلبه می‌کنند

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ
وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ
اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ
الْكَافِرِينَ * لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلِيَ
كِرَّةَ الْمُجْرِمُونَ . (لفال / ۷ و ۸)

و (به یاد آورید) هنگل می که خدا به شما، یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، بالشکر آنان] را وعده داد که آن برای شما باشد؛ و آرزوی کردید که [گروه] غیر مسلح برای شما باشد؛ و آلی [خدای خولهد حق را با کلماتش (وعده هایش) تثبیت کند و دنبله کافران را قطع سازد، تا حق را تثبیت کند و باطل را نابود گرداند؛ و گرچه خلاف کاران ناخشنود باشند.

در احادیث از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر این آیه پرسش شد، فرمود:

تفسیرها فی الباطن یرید الله فإنه شیئی یریده ولم یفعله بعد، و أما قوله: «یحق الحق بکلماته» فإنه یعنی یحق حق آل محمد و أما قوله: «بکلماته» قال: کلماته فی الباطن علی علیه السلام هو کلمة الله فی الباطن و أما قوله: «و یقطع دابر الکافرین» فهم بنو أمیه هم الکافرون یقطع الله دابره و أما قوله: «لیحق الحق» فإنه یعنی لیحق حق آل محمد حین یقول القائم و أما قوله: «و یبطل الباطل» یعنی القائم، فإذا قام یبطل باطل بنی أمیه و ذلک قوله: «لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون». (عیاشی، بی تا: ۲ / ۵۰؛

مجلسی، ۳۸۵: ۱ / ۲۴ / ۱۷۸)

تفسیر این آیه را خدا در باطن اراده کرده است که آن چیزی است که اراده شده، ولی هنوز انجام نداده است. پس مقصود از «تحقق حق با کلمات لاهی»، یعنی حق آل محمد. و لما مقصود از «کلمات» کلمات لاهی در باطن است. علی کلمة الله در باطن است و لما مقصود از «قطع دنبله کافران»، بنی لمیه است که کافرنند و خدا دنبله آنان را قطع می کند. و لما مقصود از «تحقق حق»؛ یعنی حق آل محمد هنگام قیام قائم علیه السلام تحقق می یابد، لما مقصود از «بطل باطل»؛ یعنی هنگل می که قائم قیام می کند، باطل بنی لمیه را باطل می سازد و این مقصود خدا در آیه «لِیُحِقَّ الْحَقَّ وَ یُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» است.

سه. باطن آیات پیروزی روم و ایران

الم * عَلِيَّتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ
بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بضعٍ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ
مِن قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ *
بَنَصْرٍ لِّلَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ .
(روم / ۵ - ۱)

لفه لام، میم، (سپاه) روم در نزدیکترین سرزمین شکست خورد؛ و [ای] آنان
بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد، کار [ها] قبل
از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز،
مؤمنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند. (خدا) هر کس را
بخوهد (و شایسته بداند)، یاری می‌رساند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] مهوروز است.

در برخی احادیث حکایت شده است که امام صادق علیه السلام در مورد ذیل آیه «و یومئذ یفرح
المؤمنون»، فرمود: «عند قیام قائم». (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱ / ۴۳۴؛ مجلسی، ۱۳۸۵:
۳۱ / ۵۱۶). ایشان در جای دیگری فرمودند: «فی قیومهم بقیام القائم». (طبری، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛
بحرانی، ۳۳۴: ۳ / ۲۵۸)

چهار. رجعت باطن آیه

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ
قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ . (قصص / ۸۵)

قطعاً، کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به سوی بازگشتگاه (مکه)
باز می‌گرداند. بگو: پروردگار من داناتر است به کسی که هدایت آورده و به کسی
که وی در گمراهی آشکار است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام حکایت شده است که فرمود:

خدا رحمت کند جلبر را که علم او به جایی رسیده بود که تأویل این آیه را
می‌دانست که رجعت است. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۲ / ۹۹؛ بحرانی، ۳۳۴: ۳ / ۲۳۹)

در این‌گونه روایات، مقصود از بلطن، می‌تواند همان معنایی باشد که علامه محمد مهدادی معرفت در معنای بطن فرمود که با انجام چهار مرحله (به دست آوردن هدف آیه، الغای خصوصیت از آیه، استنباط قاعده کلی از آیه و تطبیق آیه بر مصداق جدید در هر عصر) صورت می‌گیرد. (معرفت، ۳۸۳: ۱ / ۲۹)

مثلاً در روایت دوم از شأن نزول آیه که مسئله جنگ بدر است، الغای خصوصیت شده و یک قاعده کلی به دست آمده مبنی بر اینکه، اراده الهی بر تحقق حق با کلمات الهی و قطع دنباله کافران است. آنگاه این مطلب بر مصداق کلمل آن در زمان امام عصر علیه السلام تطبیق شده است. تعبیر «یرید» که مضارع است و دلالت بر استمرار اراده خدا به صورت سنت الهی دارد، می‌تواند قرینه این تفسیر بلطنی آیه باشد.

در روایت سوم هم که در مورد جنگ ایران و روم است، الغای خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی برای خوشحالی مؤمنان بعد از پیروزی، بر خوشحالی مؤمنان هنگام قیام امام عصر علیه السلام و پیروزی ایران او تطبیق شده است.

در مورد روایت چهارم نیز که بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه، بازگشت دوباره ایشان را به مکه وعده می‌دهد، الغای خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی، بر بازگشت مؤمنان در رجعت تطبیق شده است.

۴. آیات مرتبط با مهدویت

مقصود آیاتی است که در احادیث با مسائل و موضوعات مهدویت به‌گونه‌ای مرتبط شده است؛ اما از نوع تفسیر، تطبیق و تأویل نیست. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

یک. تشبیه جریان مهدوی

برخی از احادیثی که ذیل آیات مرتبط با مهدویت مطرح کرده‌اند، نوعی تشبیه و مثال را بیان می‌کند برای نمونه در خصوص آیه ۲۴۹ از سوره بقره از امام صادق علیه السلام حکایت شده است:

إِنَّ اصْحَابَ طَالُوتَ ابْتَلَوْا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ
اللَّهُ تَعَالَى «مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ» وَ إِنَّ اصْحَابَ

القائم یبتلون بمثل ذلك. (مفید، ۴۱۳: ۳۳۰؛ مجلسی،
۳۳۲ / ۵۲: ۳۸۵)

یاران طلوت با (آب خوردن از) نهر آب لمتحان شدند؛ همان گونه که
خدا فرمود «شما را نهری آزمایش می کنیم» و یاران قائم نیز به مانند آن
آزمایش می شوند.

و در مورد آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ؛ (اعراف / ۸۷) درباره ساعت [قیامت] از
تو می پرسند»، در روایتی از پیغمبر اکرم ﷺ حکایت شده است که مشال او (مهدی) مثل
ساعت (رستاخیز) است که ناگهان می رسد (خزار قمی، ۱۴۰۱: ۲۴۸)

دو. قرآن قرائت قرآن

در برخی احادیث ذیل آیات مهدویت، آثار قرائت قرآن بیان شده است؛ مثلاً از امام صادق ﷺ
حکایت شده است که هر کس سوره بنی اسرائیل (اسراء) را در هر شب جمعه قرائت کند،
نمی میرد تا اینکه قائم را درک کند و از اصحاب حضرت خواهد بود. (عیاشی، بی تا: ۲ / ۲۷۶)
در برخی دیگر از احادیث، آیاتی که امام عصر ﷺ قرائت می کنند، بیان شده است، از
جمله ذیل آیه «فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ؛ (شعراء / ۲۱) و هنگامی که از شما
ترسیدم، از بین شما فرار کردم»، از امام صادق ﷺ حکایت شده است که هنگامی که
قائم ﷺ قیام می کند، این آیه را تلاوت می کند (مفید، ۴۱۳: ۱۷۹)

این گونه احادیث هر چند با موضوع کلی مهدویت و امام عصر ﷺ مرتبط اند؛ اما تفسیر،
تطبیق یا تأویل آیات به شمار نمی آیند؛ ولی در کتابهایی که آیات تفسیری مهدویت را ذکر
کرده اند، آمده اند (الهیة العلمیة...، ۴۲۸: ۷ / ۶۸، ۳۱۵ و ۴۳۲)

نتیجه

آیات زیادی در قرآن کریم هست که بر اساس روایات پیغمبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، به ابعاد
مختلف مهدویت اشاره دارند این احادیث گاهی به تفسیر یا تأویل یا بطن یا مصادیق آیات

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری □ ۱۳۷

اشاره دارند و از نظر موضوع نیز به موضوع‌های سیاسی، اقتصادی، نظمی و تاریخی متغدد اشاره دارند.

منابع و مأخذ

۱. آلوسی، ابوالفضل شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۰۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۴.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، *المناقب آل ابی‌طالب*، قم، علامه.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۳۸۰، *تفسیر زادالمسیر فی علم تفسیر*، بیروت، دارالکتب العربی.
۴. ابن‌حجام، محمد بن عباس، ۱۴۲۰ ق، *تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی الذبی و آله صلی‌الله علیهم*، قم، دفتر نشر الهادی.
۵. ابن‌حنبل، احمد، ۱۴۱۵، *مسند احمد*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
۶. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ۲۰۰۰ م، *تفسیر ابن‌کثیر*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۷. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ ق، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، تبریز، مکتبة بنی‌هاشمی.
۸. بابایی، علی‌اکبر و دیگران، ۱۳۸۵، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، تهران، سمت.
۹. البحرانی، سید هاشم الحسینی، ۱۳۳۴، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، دارالکتب العلمیة.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۲۱ ق، *الجامع الصحیح (سنن الترمذی)*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابوسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم، بیتا، *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)*، [نسخه خطی]، قرن پنجم.
۱۲. _____، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. حافظ برسی، رجب بن محمد، ۱۲۵۵ ق، *مشارق الانوار الیقین*، [نسخه خطی].
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق،

- المستدرک علي الصحيحين*، بيروت، دارالکتب العلمية.
۱۵. حسيني استرآبادي، سيدشرفالدين علي، ۱۴۰۹ ق، *تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة*، قم، مؤسسة نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسين قم.
۱۶. حويزي عروسي، عبدعلي بن جمعه، ۱۳۸۳ ق، *نورالثقلين*، قم، المطبعة العلمية، الطبعة الثانية.
۱۷. خزار قمي، علي بن محمد، ۱۴۰۱ ق، *كفاية الأثر*، قم، بيدار.
۱۸. ذهبي، محمدحسين، بيتا، *التفسير و المفسرون*، بيروت، دارالارقم.
۱۹. رازي، فخرالدين، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م، *تفسير كبير (مفاتيح الغيب)*، بيروت، دارالکتب العلمية.
۲۰. راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين بن محمد، ۱۳۳۲، *مفردات الفاظ القرآن*، تهران، المكتبة الرضوية.
۲۱. رضايي اصفهاني، محمدعلي، ۱۳۸۳، *درآمدي بر تفسير علمي قرآن*، تهران، اسوه، ج ۲.
۲۲. _____، ۱۳۸۵، *منطق تفسير قرآن (۲): روشها و گرايشهاي تفسير قرآن*، قم، نشر جامعة المصطفى عليه السلام العالمية.
۲۳. _____، ۱۳۸۷، *تفسير قرآن مهر*، قم، پژوهشهاي تفسير و علوم قرآن.
۲۴. سيوطي، جلالالدين، ۱۴۰۷ ق، *الاتقان في علوم القرآن*، بيروت، دارالکتب العلمية.
۲۵. شاكر، محمداظم، ۱۳۸۲، *مباني و روشهاي تفسيری*، قم، جامعة المصطفى العالمية.
۲۶. صادقي تهراني، محمد، ۱۴۰۸ ق، *الفرقان في تفسير القرآن*، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامي، الطبعة الثالثة.
۲۷. صادقي، مصطفى، ۱۴۰۳ ق، *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*، بيروت، دارالفكر.

٢٨. _____ ، ١٣٨٢ ، «الفتن ابن حماد، قديمي ترين كتاب در مهدويت»، **آينه پژوهش**، ش ٨٤ .
٢٩. صافي گلپايگاني، لطف الله، ١٣٧٧ / ١٤١٩ ق، **منتخب الأثر في الامام الثاني عشر**، قم، مؤسسة السيدة المعصومة عليها السلام.
٣٠. صدوق، ابو جعفر محمد بن علي، ١٣٩٥ ق، **كمال الدين و تمام النعمة**، قم، دارالكتب الاسلامية، ج ٢ .
٣١. _____ ، ١٤١٦ ق، **الخصال**، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
٣٢. طباطبائي، سيد محمد حسين، ١٣٩٣ ق، **الميزان**، قم، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان.
٣٣. طبرسي، امين الاسلام ابو علي الفضل بن الحسن، ١٣٩٥ ق، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، تهران، المكتبة الاسلاميه، الطبعة الخامسة.
٣٤. طبري آملی مازندراني، ١٣٩٣ ق، **جامع البيان في تفسير القرآن**، بيروت، دار المعرفة.
٣٥. _____ ، ١٣٨٣ (افست حيدريه نجف)، **دلائل الامامة**، قم، دارالذخائر للمطبوعات.
٣٦. طوسي، محمد بن حسن، بيتا، **الغدير**، بيتا، بيتا.
٣٧. عياشي، محمد بن مسعود بن عياشي السلمي، بيتا، **كتاب التفسير**، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية.
٣٨. فيض كاشاني، محمد محسن، ١٤٠٢ ق، **تفسير صافي**، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، الطبعة الثانية.
٣٩. _____ ، ١٣٦٥، **وافي**، اصفهان، مكتب الامام امير المؤمنين علي عليه السلام العامة.
٤٠. قرطبي، ١٤٠٥ ق، **الجامع لاحكام القرآن**، بيروت، دار احياء التراث العربي، الطبعة الثانية.
٤١. قمي، علي بن ابراهيم، ١٤٠٤ ق، **تفسير علي بن ابراهيم القمي**، قم، مؤسسة دارالكتاب، ج ٣ .

۴۲. قندوزي، سليمان بن ابراهيم حسيني بلخي، ۱۳۰۸ ق، **ينابيع المودة**، [چاپ سنگي]، طهران، بي‌نا.
۴۳. كاشاني، ملا فتح‌الله، ۱۳۴۶، **تفسير منهج الصادقين**، تهران، كتابفروشي اسلاميه.
۴۴. **كتاب مقدس**، (شامل تورات و انجيل و كتاب هاي مقدس يهوديان و مسيحيان)، تهران، انجمن كتاب مقدس ايران.
۴۵. كوفي، فرات بن ابراهيم، ۱۴۱۰ ق، **تفسير فرات الكوفي**، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامي.
۴۶. مجلسي، علامه محمدتقي، ۱۳۸۵، **بحار الانوار**، تهران، المكتبة الاسلامية.
۴۷. معرفت، محمدهادي، ۱۳۷۹، **التفسير و المفسرون**، قم، مؤسسة التمهيد.
۴۸. _____، ۱۳۸۳، **التفسير الاثري الجامع**، قم، مؤسسة التمهيد.
۴۹. _____، ۱۴۱۷ ق، **التمهيد في علوم القرآن**، قم، مؤسسة النشر الاسلامي.
۵۰. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، **الغيبة (اربع رسالات في الغيبة)**، قم، كنگره جهاني هزاره مفيد قم، ج ۲.
۵۱. مكارم شيرازي، ناصر و ديگران، ۱۳۶۴، **تفسير نمونه**، تهران، دارالكتب الاسلامية.
۵۲. ميبيدي، احمد بن محمد، ۱۳۷۶، **كشف الاسرار و عدة الابرار (تفسير خواجه عبدالله انصاري)**، تهران، اميركبير.
۵۳. الهيئة العلمية في مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۲۸ ق، **معجم احاديث الامام المهدي**، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية مسجد جمكران.

